



سینما

انتظامی جلوی اکران

«دین این فیلم جرم است» را گرفته است

تهیه‌کننده «دین این فیلم جرم است» اکران این فیلم در دانشگاه شریف بیان کرد حسین انتظامی، رئیس سازمان سینمایی جلوی اکران این فیلم را گرفته است. به گزارش «وطن امروز»، محمدرضا شفاه در این مراسم در سخنانی در ارتباط با مشکلات پیش آمده در مسیر اکران عمومی «دین این فیلم جرم است» گفت: «مسیر ساخت فیلم طبق روال قانونی طی شده و ما حتی به اصلاحاتی که در شورای پروانه ساخت به فیلمنامه اعمال شد، وفادار بودیم و روند ساخت فیلم از زمان دریافت پروانه ساخت و میزان انطباق خروجی فیلم با فیلمنامه مصوب مشخص است اما متأسفانه آقای انتظامی، رئیس سازمان سینمایی اجازه اکران فیلم را نمی‌دهند و به‌رغم آنکه بیش از یک سال از اکران فیلم در جشنواره فیلم فجر می‌گذرد ولی ما تنها فیلم جشنواره فجر سی و هفتم هستیم که هنوز تکلیفش روشن نشده و انتظار روشن ما این است که رئیس سازمان سینمایی نسبت به این موضوع پاسخگو باشد.» فیلم سینمایی «دین این فیلم جرم است» به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفاه و کارگردانی رضا هتاجیان محصول هنر و هنری است که در باشگاه فیلم سوره تولید شده است.

مستند

اعلام هیأت داوران بخش «مسابقه

بین الملل» سینماحقیقت

۶ داور از کشورهای ایران، بلژیک، کوزوو، چین و لهستان، ۳۰ فیلم‌بخش مسابقه بین‌الملل سیزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت از ۲۲ کشور جهان را داوری می‌کنند. به گزارش «وطن امروز»، مهرداد اسکویی، زلتینکاروسا و کارول پیکارشیک مستندهای بلند بخش مسابقه بین‌الملل جشنواره را داوری خواهند کرد. راند فریدزاده، وتون نور کلاری و منگ شیه هم داوران بخش مستندهای کوتاه و نیمه‌بلند مسابقه بین‌الملل هستند.

تلویزیون

فصل چهارم «ایرانگرد» نوروزی شد



راوی مستند «ایرانگرد» از پیش رفتن روند تولید فصل چهارم آن برای بخش در ایام نوروز خبر داد. به گزارش «وطن امروز»، جواد قارایی، تهیه‌کننده، کارگردان و راوی سه‌گانه ایرانگرد با اعلام آغاز به کار نمایشگاه عکس‌های گفت: از میان ۳ هزار عکسی که در ۲۰ سال ایرانگردی برگزیده‌ام که قرار است در نمایشگاهی به مدت یک هفته از ۲۲ تا ۲۷ آذرماه در تالار آبی، مجموعه فرهنگی - تاریخی نیابورن به بازدید عموم گذاشته شود. قارایی با بیان اینکه گشایش این نمایشگاه با افتتاح انجمن نیکوروزی ایران همزمان شده است، گفت: در این انجمن که در وزارت کشور ثبت کرده‌ام، کارآفرینی در مناطق محروم در حوزه محیط‌زیست و گردشگری را مدنظر دارم. راوی مستند ایرانگرد از پیش رفتن روند تولید «ایرانگرد ۴» نیز خبر داد و گفت، ایرانگرد نوروز ۱۴۰۰ از شبکه یک سیما روی آنتن می‌رود.

جشنواره فجر

آغاز ثبت‌نام «مسابقه تبلیغات

سینمای ایران» در فجر ۳۸

متقاضیان شرکت در بخش «مسابقه تبلیغات سینمای ایران» از امروز ثبت‌نام کنند. به گزارش «وطن امروز»، متقاضیان می‌توانند جهت شرکت در بخش مسابقه تبلیغات سینمای ایران از ۲۰ آذرماه تا ۱۰ دی‌ماه ۱۳۹۸ از طریق مراجعه به سایت رسمی جشنواره به آدرس [fajrfilmfestival.com](http://fajrfilmfestival.com) نسبت به ثبت‌نام و تکمیل فرم شرکت و بارگذاری نمونه‌های آثار خود مطابق بند شرایط اختصاصی مقررات اقدام کنند. تمام فیلم‌های بلند سینمایی (داستانی، پویانمایی و مستند) که بعد از ۱۰ دی‌ماه سال ۱۳۹۷ تا ۱۰ دی‌ماه سال ۱۳۹۸ در داخل کشور به نمایش عمومی درآمده باشند، می‌توانند در مسابقه شرکت کنند و محدودیتی در تعداد عناوین آثار رسانی وجود ندارد. در این بخش ۳ سیمرغ بلورین به بهترین عکس، بهترین بوستر و بهترین انونس و تیزر اهدا می‌شود.

کتاب

«فرمانده در سایه» چاپ دومی شد

چاپ دوم کتاب «فرمانده در سایه» همزمان با سالروز تولد شهید عماد مغنیه توسط انتشارات شهید کلمی منتشر شد. به گزارش «وطن امروز»، اگر با نگاهی منصفانه و دقیق به تاریخ مقاومت اسلامی معاصر نگاه کنیم و بخواهیم اثر گذارترین فرمانده مقاومت را (مجموعاً از همه جهات) انتخاب کنیم، طبیعتاً درست‌ترین گزینه، شهید عماد مغنیه (حاج رضوان) خواهد بود، کسی که ابعاد مختلف زندگی جهادی او به قدری عمیق، اثربخش، تعیین‌کننده و ملو از نبوغ بوده که حقیقتاً انسان گاهی گمان می‌کند با افسانه روبرو است؛ افسانه‌های حقیقی و حقیقتی اسطوره‌ای. کتاب «فرمانده در سایه» یکی از آثار منتشر شده در ارتباط با این شهید گرامی است که بتازگی به چاپ دوم رسیده؛ اثری به کوشش وحید خضاب که توسط انتشارات شهید کلمی منتشر شده است.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی  
سرمدیز: سید عابدین نورالدینی

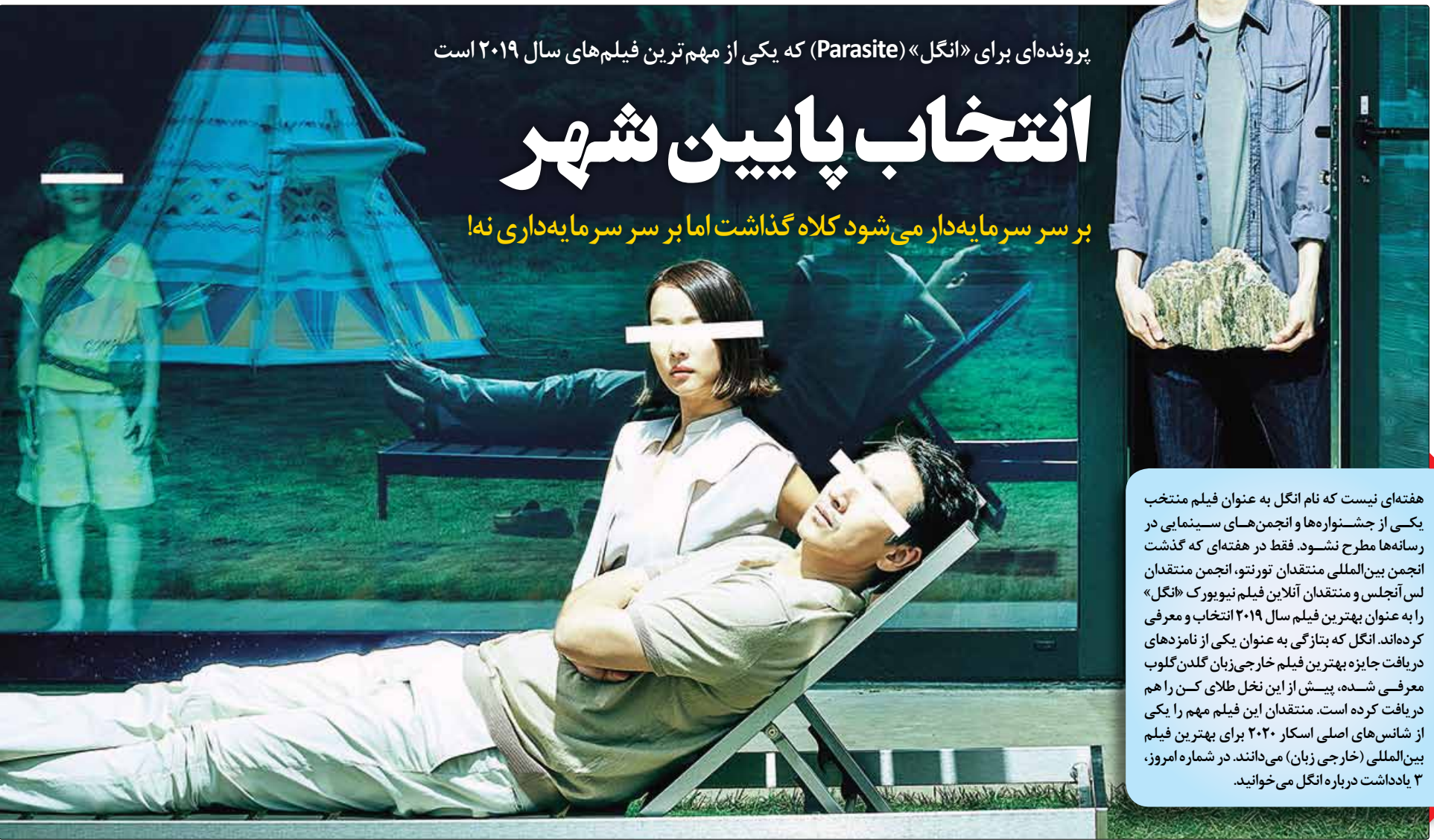
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج) کوچه سعید، پلاک ۹  
روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۲۴  
تحریریه: ۶۶۴۱۲۷۲۸۲  
تلفن: ۶۶۴۱۲۷۲۸۲  
info@vataneemrooz.ir  
پست الکترونیک: ۱۰۰۰۲۲۳۱  
پلاک: ۶۱۰۸۶۱۶۲۳  
سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۲۳  
چاپ: موسسه چاپ‌چهره پرتو برنا



پرونده‌ای برای «انگل» (Parasite) که یکی از مهم‌ترین فیلم‌های سال ۲۰۱۹ است

انتخاب پایین شهر

بر سر سر مایه‌دار می‌شود کلاه گذاشت اما بر سر سر مایه‌داری نه!



هفته‌ای نیست که نام انگل به عنوان فیلم منتخب یکی از جشنواره‌ها و انجمن‌های سینمایی در رسانه‌ها مطرح نشود. فقط در هفته‌ای که گذشت انجمن بین‌المللی منتقدان تورنتو، انجمن منتقدان لس آنجلس و منتقدان آنلاین فیلم نیویورک «انگل» را به عنوان بهترین فیلم سال ۲۰۱۹ انتخاب و معرفی کرده‌اند. انگل که بتازگی به عنوان یکی از نامزدهای دریافت جایزه بهترین فیلم خارجی‌زبان گلدن گلوب معرفی شده، پیش از این نخل طلای کن را هم دریافت کرده است. منتقدان این فیلم مهم را یکی از شانس‌های اصلی اسکار ۲۰۲۰ برای بهترین فیلم بین‌المللی (خارجی زبان) می‌دانند. در شماره امروز، ۳ یادداشت درباره انگل می‌خوانید.

مهدی طاهرخانی: شاید تا یکی دو دهه قبل این ژانر بود که پیشقراول سینمای جنوب شرق آسیا به شمار می‌آمد و باید آثار برتر آن منطقه را تمام و کمال به نام آنها می‌نوشتیم اما حالا نه‌تنها سینمای کره‌جنوبی موفق شده خودش را به همسایه همیشه قدرتمندش برساند، بلکه به گونه‌ای گوی سبقت را هم برده است. با این وجود وقتی می‌خواهیم درباره فیلم «انگل» ساخته «بونگ جون هو» حرف بزنیم باید در ابتدا به دیگر فیلم سینمای جنوب شرق آسیا که از قضا یک سال زودتر آن هم برنده نخل طلایی کن شد، اشاره کنیم؛ «دزدان فروشگاه». درباره این فیلم تنها ذکر یک اتفاق کافی است تا مشخص شود نگاه حاکمان ژاپن به چنین سینمایی چیست. بعد از آنکه فیلم دزدان فروشگاه موفق شد جایزه کن را از آن خود کند، خیلی‌ها منتظر بودند «میرو کازو کوریتا» کارگردان فیلم از سوی دولت‌مردان کشورش مورد حمایت واقع شود اما در جشانی که به رسم سنت ژاپنی‌ها هر سال برگزار می‌شود و راهای فرهنگ و هنر این کشور میهمان نخست‌وزیر هستند، ناباورانه در لیست اولیه مدعوان، اثری از نام کوریتا نبود. اگرچه با فشار رسانه‌ها کار به عنبر خواهی دعوت مجدد رسید اما کارگردان فیلم هیچ اهمیتی به موضوع نداد و به نوعی دلخوری‌اش را نشان داد. در اصل واقعیتی آن است که دولت‌مردان ژاپن علاقه‌مند نبودند فیلمی درباره فقر و تنگدستی از کشور مترقی‌شان، اینچنین ببینند پیدا

می‌زبان تغذیه کند. در آن سو خانواده «پارک» قرار دارد که نماد طبقه نوکیسه و مرفه کره‌جنوبی است. یک تاجر موفق که اگرچه خودش و زنش نگاه مهربانانه‌ای به پایین‌دستی‌ها دارند اما برخوردشان با آنها همیشه با فخر و تکبر همراه است و مراقب هستند پایین‌دستی‌ها از حدشان عبور نکنند. در فیلم ناگهان فرد دیگری که از قضا او هم در فقر و فلاکت مطلق (شاید به‌واسطه سیاست‌های اقتصادی دولت) به‌سر می‌برد و سال‌ها به صورت پنهانی در زیرزمین خانه اعیانی خانواده پارک زندگی می‌کند، نماد دیگری از انگل است. حتی میزبان خبر از وجود چنین عنصری در خانه‌اش ندارد اما کارگردان نشان می‌دهد آن فرد فرودست که همسرش سال‌ها خدمت‌گذار خانواده پارک است، بی‌آنکه مرد پولدار متوجه باشد، در شب از زیرزمین از او شکر می‌کند بابت جایی که در اختیارش قرار گرفته است. انگل شاید به نوعی ادامه‌دهنده دیگر فیلم‌های سینمای کره‌جنوبی به نام «Burning» (سوختن) باشد. در این دو فیلم ۲ کارگردان به بحث جدی و مهم گسل طبقات اجتماعی می‌پردازند. زندگی طبقه سراسرپایدار که آلمان‌های کاملاً غربی و لاکچری دارد و طبقه فرودستی که هنوز به سنت‌های کره وفادار است اما برای فقر شاید دست به هر کاری بزند. کارگردان فیلم انگل برخلاف شعلهور، حرف‌هایش را تیزتر و عریان‌تر می‌زند. اینکه طبقه مرفه کره‌جنوبی چگونه برابر فرهنگ آمریکا

میزبان تغذیه کند. در آن سو خانواده «پارک» قرار دارد که نماد طبقه نوکیسه و مرفه کره‌جنوبی است. یک تاجر موفق که اگرچه خودش و زنش نگاه مهربانانه‌ای به پایین‌دستی‌ها دارند اما برخوردشان با آنها همیشه با فخر و تکبر همراه است و مراقب هستند پایین‌دستی‌ها از حدشان عبور نکنند. در فیلم ناگهان فرد دیگری که از قضا او هم در فقر و فلاکت مطلق (شاید به‌واسطه سیاست‌های اقتصادی دولت) به‌سر می‌برد و سال‌ها به صورت پنهانی در زیرزمین خانه اعیانی خانواده پارک زندگی می‌کند، نماد دیگری از انگل است. حتی میزبان خبر از وجود چنین عنصری در خانه‌اش ندارد اما کارگردان نشان می‌دهد آن فرد فرودست که همسرش سال‌ها خدمت‌گذار خانواده پارک است، بی‌آنکه مرد پولدار متوجه باشد، در شب از زیرزمین از او شکر می‌کند بابت جایی که در اختیارش قرار گرفته است. انگل شاید به نوعی ادامه‌دهنده دیگر فیلم‌های سینمای کره‌جنوبی به نام «Burning» (سوختن) باشد. در این دو فیلم ۲ کارگردان به بحث جدی و مهم گسل طبقات اجتماعی می‌پردازند. زندگی طبقه سراسرپایدار که آلمان‌های کاملاً غربی و لاکچری دارد و طبقه فرودستی که هنوز به سنت‌های کره وفادار است اما برای فقر شاید دست به هر کاری بزند. کارگردان فیلم انگل برخلاف شعلهور، حرف‌هایش را تیزتر و عریان‌تر می‌زند. اینکه طبقه مرفه کره‌جنوبی چگونه برابر فرهنگ آمریکا

فرودستان در سینما هم تنها هستند

قربانیان «جامعه اتمیزه»

نه به این صراحت و عربانی، بلکه با زبانی ناپس و گولوگی در «روانشناسی‌های موفقیت» تکرار می‌شود؛ جامعه‌ای که در آن خیر و نفع جمعی معنا ندارد، جامعه‌ای که مردمانش رویا و تقدیر مشترکی ندارند، جامعه‌ای که تنها راه موفقیت و پروری در آن همین خوی درندگی است. در «انگل» هم در نهایت کار به خون می‌کشد. آدم‌فقیرهای «انگل» هم جنایت می‌کنند. آدم می‌کشند و این غافلگیری فیلم است. مخاطب از آن داستان کم‌دی و سرخوش انتظار چنین صحنه‌هایی را ندارد اما آدم‌فقیرهای فیلم به همان جایی می‌رسند که «جوکر» رسیده؛ موقعیتی که انسان فرودست دیگر تاب تحقیر از جانب فرادست را ندارد و خون به پا می‌کند، می‌شورد. اما این شوریدن و برخاستن و عصیان، کور است، خودبیرانگری است، یک واکنش هیستریک است. اهالی ثروتمند و لپ‌گلی خانه در یک صبح زیبا و آفتابی در حیاط سربسیز خانه‌شان کشته می‌شوند اما مدتی بعد ثروتمندان دیگر جای‌شان را در آن خانه می‌گیرند و آدم‌فقیرها همچنان محکومند به محبوس ماندن در زیرزمین همان خانه. پس رهایی‌ها در کار نیست. این چرخه ادامه دارد و آدم فقیرها دوباره بازی می‌گردند به همان زیرزمین‌های بوگندوی خودشان. همان محله‌هایی که کثافت از همه جایش بالا می‌زند؛ کثافتی که از قضا از دل خانه‌های زیبا و تمیز ثروتمندان خود می‌رسد. این است ارمغان سرمایه‌داری... و داستان سرمایه‌داری در همه جای جهان یکسان است. فرقی نمی‌کند کره‌جنوبی



باشد با تمام کبیاده‌ای که در حوزه فرهنگی آن تولید فناوری می‌کشد یا آمریکا؛ تجمع ثروت در هیچ کجا باعث نشده فقر از بین برود. از قضا رنجورترین فقرا را می‌توانید در حاشیه «دره سیلیکون ولی» ببینید... فرودستان در سینما هم تهی‌اند. در همین دو فیلم «جوکر» و «انگل» که با مدعایی ضدسرمایه‌داری در جهان مطرح‌اند، چهره انسان‌های محروم و فقیر مشوه است. فقرا آدم‌هایی هستند که اگر چه در داستان از خود عاملیت به خرج می‌دهند و کشتی دارند و کاری می‌کنند اما موجوداتی به غایت رقت‌انگیزند؛ انسان‌هایی که عقده‌ها و محرومیت‌های‌شان آنها را به هیولاهایی ضداخلاق و جامعه‌ستیز تبدیل کرده؛ کسانی که پای در هیچ زمینی ندارند و خود نمی‌دانند دقیقاً چه می‌خواهند. آنها از پیش ساخته‌اند. رسانه جریان اصلی فاتحه‌شان را از پیش خوانده است.

شبیه یک ترور

محمدرضا کردلو: «چه چیزی می‌تواند انسان را چنان برانگیزاند که مرتکب کشتن همنوع خویش شود؛ عملی که انجام آن نه به شیوه‌ای غیراخلاقی، بدون تفکر و در حالتی از بربریت حیوانی و به پیروی از غرایز کور، بلکه اتفاقاً رفتاری باشد که تحت انگیزش قسمی زندگی آگاهانه - به مثابه آفریننده اشکال فرهنگی - سر برزند؟» این سوال را «سوفی وانیچ» در کتاب «ترور علیه تروریسم» می‌پرسد؛ کتابی که اگرچه درباره ترمیدور و دوره‌های سهمگین کشتار در انقلاب فرانسه، نگاشته شده اما می‌تواند جنبه عمومی‌تری پیدا کند. آنقدر که این روزها می‌شود این سوال را درباره واکنش‌های خشونت‌آمیز علیه نتایج و محصولات نظام سرمایه‌داری، باز مطرح کرد. سکانس پیش از فینال «انگل» فیلم تحسین شده سینمای کره که قتل «سرمایه‌دار» توسط «فرودست» را به تصویر می‌کشد، نمایش یک قتل با نمونه‌های آگاهانه است. طبیعی است اگر بخواهیم درباره parasite (انگل) صحبت کنیم، فهم مناسبات و ساختاری که به شکل گرفتن این انگیزه منجر شده، لازم می‌نماید. یکی از تم‌های ناخوشایند در زمان و سینمای انتقام خشونت‌بار فرودستان از طبقه اشراف است؛ از نظر من البته. (چرا که حتی در بودن انگیزه‌های ابتدایی، نفس انتقام‌را از شرافت تهی می‌کند). گاه طبقه اشراف، به خاطر نسبتی که با حاکمان دارند و نسبت مستقیمی که با وضعیت موجود دارند، زیر تیغ خشونت فرودستان قرار می‌گیرند. (شبه‌اعلام «ملری آنتوان»، ملکه لوئی شانزدهم در انقلاب فرانسه که مشخصاً به عنوان یکی از دلایل فقر و فلاکت مردم در روزگار پیش از انقلاب کبیر شناخته می‌شود و منتقدش شد. به گزارش «وطن امروز»، اگر با نگاهی منصفانه و دقیق به تاریخ مقاومت اسلامی معاصر نگاه کنیم و بخواهیم اثر گذارترین فرمانده مقاومت را (مجموعاً از همه جهات) انتخاب کنیم، طبیعتاً درست‌ترین گزینه، شهید عماد مغنیه (حاج رضوان) خواهد بود، کسی که ابعاد مختلف زندگی جهادی او به قدری عمیق، اثربخش، تعیین‌کننده و ملو از نبوغ بوده که حقیقتاً انسان گاهی گمان می‌کند با افسانه روبرو است؛ افسانه‌های حقیقی و حقیقتی اسطوره‌ای. کتاب «فرمانده در سایه» یکی از آثار منتشر شده در ارتباط با این شهید گرامی است که بتازگی به چاپ دوم رسیده؛ اثری به کوشش وحید خضاب که توسط انتشارات شهید کلمی منتشر شده است.



سکانسی از فیلم می‌بینیم؛ پسرپسره همه اعضای خانواده تانگ (فقیر) را بو می‌کند و می‌گوید: «همه‌مشون به بو (نامطبوع) میدن!» پدر خانواده تانگ در نمای بعدی این طور می‌گوید: «ما خیلی خوشبختیم که تنها مسأله‌مون بوی هست که میدیم.» اما مسأله فقط «بوی نامطبوع» نیست. حاشیه و پایین شهر، چالش‌هایی بیشتر را متوجه خانواده آنها می‌کند. آنقدر که جایی برای زندگی نمی‌ماند؛ فاضلاب به خانه آنها می‌ریزد و همه چیز فاجعه‌بار می‌شود. آنقدر که تنها نقطه امن بالای توالت فرنگی است! در اینجا و از نمایی بالا زندگی‌های فراوانی را می‌بینیم که روی فاضلاب به حرکت افتاده‌اند. همه اینها یعنی: سرسرمایه‌دار را می‌شود کلاه گذاشت اما سر سرمایه‌داری کلاه نمی‌رود! و همین وضعیت اچمز است که به خشونت مرگبار «پدر» منجر می‌شود؛ شبیه یک ترور.